



یادداشتی بر فیلم «ابد و یک روز»

مرثیه‌ای بر انسان فلاکت‌زده ایرانی!

■ **فاطمه معصومی**

خانه متلاشی شده، اعتیاد، دختران بی سرپناه، مادر از کار افتاده و... همه و همه یافته‌های مناسبی برای تولید یک فیلم اجتماعی هستند. مسائل اجتماعی آن قدر مدام دهان به دهان می‌گردند و آن قدر عیان و پیش چشم ما هستند که برای دیدن آنها نیاز نیست سختی زیادی به خود دهیم. «ابد و یک روز» از آن دست مواردی است که به کمین این اوضاع فلاکت‌بار رفته و آن را برای ما تصویر می‌کند.

صحنه‌های فیلم پر از بازیگر، پر از سسر و صدا و شلوغی است که بیشتر ذهن را به فیلمی مثل «دربارہ‌الی» یا «سعادت آباد» نزدیک می‌کند. کارگردان حیاهوی خود را به پا می‌کند، بازیگرها از اینکه در حال مشاهده یک دعوا هستند ولی در است شاید همه خیلی خوششان بیاید ولنت ببرند اما اینکه در حال مشاهده یک دعوا هستند ولی در حقیقت این اش خیلی شوتر تر از آن است که به نظر می‌رسد. بازی‌های این فیلم مثل نقش پیمان معادی، پریناز ایزدیار، شبنم مقدمی و دیگران شاید مقداری بیشتر یا کمتر از چیزی که نشان می‌دهند هستند. برای مثال در سکانس بقالی که دو خواهر و محسن و مرتضی حضور دارند و درگیری لفظی بین مرتضی و محسن رخ می‌دهد، پیمان معادی تلاش فراوانی می‌کند برای اینکه بگوید من هم اینقدر لات و پر سسر و صدا هستم ولی واقعا در مرتضی چنین چیزی نمی‌بینیم. شاید اگر بازی نوید محمدزاده و بهروری او نبود بیشتر این نقض به چشم می‌آمد.

پریناز ایزدیار در نقش آدم خوبه داستان و دختر فداکار حسی را القا نمی‌کند که اهمیت داشته باشد که او سسر آخر یا بیگانه‌ها خواهد رفت یا برخواهد گشت. شاید از موارد با اهمیت دیگر در این زمینه که ضربه نهایی را در بازگشت خواهر به مخاطب نمی‌زند، مشخص نبودن تکلیف سمیه و بازگشت او به دلیل ایستادن چند دقیقه‌ای رویه‌روی آرا اشگاه و دیدن برادر کوچک است. شبنم مقدمی، به هیچ عنوان نمی‌تواند از امکانات بازی خود استفاده کند، در صورتی که بازیگر بسیار توانایی است و درحقیقت این مسئله به فیلمنامه برمی‌گردد و به نقش پوخته‌ای از یک زن بیوه است که در جیب داده می‌شود بیش از این که او پروداخته نشود و اساساً بودن یا نبودن این بازیگر به تفاوتی برای نقشی ایجاد می‌کند که همواره در رفت و آمد است.

سعید روستایی کارگردان جوانی است که از پس فیلمنامه خودش برآمده است. این نکته مثبتی است که در شاید بیشتر مواردی که فیلمنامه برمی‌نگیزد توصیف شده است. مروهون همین قضیه باشد. لیکن در حقیقت اگر بهترین فیلم و پر جایزه‌ترین فیلم جشنواره فجر ۹۴ ابد و یک روز باشد شایسته است که نگران سینمای ایران باشیم. جریان ایجاد شدن پیرامون فیلم از همان قاعده جو و موجی که همواره دنباله هر پدیده نوظهوری به راه می‌افتد پیروی

از روزنامه جوان | شماره ۰۱-۸۸

فرهنگ‌روز

سرویس فرهنگی ۸۸۴۹۸۴۶۴

قاضی دادگستری و مبلغ فرهنگی اسیران عراقی:

برخی اسیران عراقی تمایل به بازگشت نداشتند



روضه‌های آیتالله حکیم به زبان عربی برای اسرای عراقی بسیار تأثیر گذار بود

■ **معصومه طاهری**

حجت‌الاسلام والمسلمین منصور احمدی قاضی دادگستری است که در عین حال مسئول دفاع از حقوق زنان و کودکان هم می‌باشد.وی به دلیل اشراف به زبان انگلیسی و عربی با تور یست‌ها و گردشگران زیادی ارتباط دارد **وسعی** می‌کند با مباحثه و گفت‌وگو حقیقت داشته‌اند اکنون که به پیری رسیده نیز دست از کارهای عجیب و غریب برداشته و مدام از سمت بچه‌هایش توهین و تحقیر می‌شود. گاهی فیلم مانند بیابانه حمایت از حقوق زنان می‌شود؛ چندین دختر و مادر از کار افتاده‌ای که در وضعیت ذلت‌باری قرار دارند و شاید علت بسیار مهم این است که زن هستند. معلوم نیست فیلم‌های اجتماعی چه زمانی می‌خواهند دست از سسر این اداهای نخبه‌ما شده حمایت از حقوق زنان بردارند.

با نگاه به این مسائل شاید ساده‌لوحی می‌نماید اگر بگوییم پیام فیلم محصور در این خانواده است و ابد و یک روز قصه ندارد حرف بزرگ‌تری بزند. ضمناً اگر دیدگاه تالیستی این فیلم را درست بدانیم و در آن خدشه وارد نکنیم این فیلم هم جزو آن دسته فیلم‌هایی می‌شود که گرد یابد در جامعه می‌باشند و هر آن چه امید و اعتقاد به آینده روشن است را نابود می‌کنند. ابد و یک روز خانواده ایرانی نابود شده بر اثر اعتیاد را با یک خانواده افغانستانی مقایسه می‌کند. محسن سعی می‌کند که اجازه ندهد تا خواهرش برود. وضع محسن و خانواده‌اش با تمام فلاکت و بدبختی‌ها بدتر از خانواده افغانستانی است و این یعنی ما خانواده افغانستانی را ملاک بدبختی فرض کرده‌ایم. این گزاره بسیار نژادپرستانه است که از بسیاری جنبه‌هایفلم را دچار خدشه کرده است. نگاه بر آن‌نمایدی مدت‌هاست که بر پیکره فیلم‌های اجتماعی غالب شده است و تفاوتی نمی‌کند که این خانواده اهل نعمت آباد باشد یا سعادت آباد. در یکی اعتیاد و فقر سبب نابودی شده یا در دیگری بی‌اعتمادی و ثروت. ابد و یک روز بر خلاف دوسه المان کلیشه‌ای پسر نابغه، خواهر فداکار، کورسوی نور در پایان فیلم به هیچ عنوان امیدی را به مخاطب انتقال نمی‌دهد بلکه مرئی‌های در زئی انسان‌های فلاکت‌زده‌ای است که در جامعه ایرانی زیست می‌کنند. اگر سینم چندی‌های نادر از سینمیان توانست مهاجرت امی کند و خوشبخت شود سمیه اینجا زندانی ابد و یک روز است.

■ **بناوریست‌ها چطور؟ از تباطی**

نه‌اجازه نمی‌دانند که جلسهای با توریست باشد یا همگلام شویم در آن صورت تحت تعقیب قرار می‌گیرفتم. البته‌اگر توریستی اهل مطالعه و تحقیق بود و جویای حقیقت با علمای بزرگ بحث می‌کرد؛ علمایی چون طباطبایی یا مطهری که توان مباحثه داشتند گاهی هم این خارجی‌ها مسلمان می‌شدند مانند پروفیسور هاتری کریب.

■ **چطور به عربی مسلط شدید؟**

در سال‌های ۶۶ تا ۶۸ مسئول عقیدتی – سیاسی ارتش بودم. آن زمان شهید ستاری مسئولیت داشتند؛ فردی بسیار آگاه و باسواد که در عرصه فرهنگی کارهای زیادی انجام داد از جمله مبلغانی را به پادگان‌های هوایی می‌فرستاد. بنده هم یکی از آن مبلغان بودم که برای تبلیغ به اردوگاه اسرای عراقی در خراسان اعزام شدم و شب این ارتباط در آموزش زبان عربی هم مؤثر بود.

کارهای تبلیغی و فرهنگی را مدیریت و اجرا می‌کردم. ما از بین اسرا افرادی را در حوزه‌های مختلف بیرون می‌آوردیم و گروه تشکیل می‌دادیم. برای گروه‌ها کارهای فرهنگی داشتیم.

■ **مشکلی برای اجرای مراسم نداشتند؟**

نه، هر کدام جداگانه مراسم دینی خودشان را انجام می‌دادند؛ حتی ما برای مراسم آنها هم شرکت می‌کردیم و خوشحال می‌شدند مثلاً مسیحیان را برای مراسم به کلیسا می‌بردیم و کشیش از این همراهی خوشحال می‌شد. سعی در مسلمان کردنشان را تأمین‌کننده بعد فر بودند تبلیغ‌کنند ما را به زور مسلمان کردند هدفمند



■ **قطار سینما همچنان روی ریل رونق حرکت می‌کند**

با شروع موفق فیلم‌ها در نوروز برخی از سینماگران باسابقه و مطرح‌ما معتقدند امسال، سالی پر بار برای سینمای ایران است. اگران نوروز مهم‌ترین بخش از اگران در طول یک سال است که صاحبان آثار برای دستیابی به این زمان تلاش‌های فراوانی را انجام می‌دهند چرا که زمان تعطیلات است و مردم سینما را به عنوان یکی از مهم‌ترین مکان تفریح انتخاب می‌کنند و به سمت دیدن فیلم به سینماها سرزاری می‌شوند. اگران نوروزی امسال به جز فیلم «هن سالوادور نیستم» و «کوچه‌ی نام» از ۲۶ فیلم‌ها ۱۳۹۴ آغاز شد و پنج فیلم «ابد و یک روز»، «جانیگارد»، «خشم و هیاهو»، «فتش‌هایم کو؟» و «۵۰ کیلو آلبالو» به اضافه دو فیلم مذکور روی پرده سینماها رفتند و طبق آمار و ارقام کارشناسان این صنعت رکوردشکنی را به دنبال داشتند؛ رکوردی که توانست به رونق سینما کمک شایانی کند. البته در این میان دو فیلم «فتش‌هایم کو؟» و «خشم و هیاهو» طبق گفته صاحبان فیلم اگران مناسبی به آنها تعلق گرفت و توانستند در فروش بالایی برسند. فروش فیلم‌های «هن سالوادور نیستم» (جانیگارد)، «لراهمی حاتمی کیا»، «خشم و هیاهو» (هومن سیدی) و «فتش‌هایم کو؟» (کیومرث پوراحمد) از تاریخ بیست و نشم اسفند ۹۴ تا هفتم اردیبهشت ۹۵ جمعاً حدود ۳۰ میلیارد و ۵۸۰ میلیون تومان فروختند که سهم فروش آنها از ۲۶ اسفند تا سوم فروردین یعنی هفته اول اگران حدود ۴ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان و سهم هفته اول اردیبهشت یعنی از ۲۷ فروردین تا سوم اردیبهشت ۹۵ حدود ۴ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان بوده است.

با این اوصاف می‌توان به این نتیجه رسید که نه تنها با وجود راه‌اندازن اداره‌ها، ارگان‌های مختلف، مدارس و... از حجم استقبال مخاطبان در هفته اول اردیبهشت کم نشده بلکه تا حدودی افزایش نیز داشته است. پس می‌توان گفت تولید فیلم با کیفیت، دارای محتوا، خوش ساخت و... در ژانرهای مختلف است که می‌تواند مخاطب را در هر فصلی به سینما بکشاند و از قهر و دوری آنها جلوگیری کند و به قول معروف سال سینمای کشور را بسازد و گیسه‌ها در تسخیر مخاطبان درآید. در این راستا برخی از سینماگران سابقه و مطرح ما معتقدند امسال، سالی پر بار برای سینمای ایران است و روند جذب مخاطب تا پایان ادامه خواهد داشت. حالا باید منتظر ماند و دید تا چه حد این حدس و گمان‌ها که تا به امروز تحقق یافته در ادامه نیز به ثمر می‌نشیند. امید می‌رود این داستان ادامه داشته باشد چراکه در کل به نفع خرجه سینما در همه ابعاد خواهد بود.

فرهنگ‌روز

سرویس فرهنگی ۸۸۴۹۸۴۶۴

قاضی دادگستری و مبلغ فرهنگی اسیران عراقی:

برخی اسیران عراقی تمایل به بازگشت نداشتند

اغلب خرمای اضافی می‌خریدند یا در سوپرمارکتی چیزهایی که می‌خواستند را تهیه می‌کردند.

■ **در حوزه تبلیغ اسیران عراقی چه سؤالاتی از شما می‌کردند؟**

سؤالات سیاسی می‌پرسیدند البته رادیو و تلویزیسون به زبان عربی و فارسی در اختیارشان بود ولی با این وجود آژادانه سؤالاتی که داشتند را هم می‌پرسیدند.

■ **فارسی هم یاد گرفتند؟**

همه عربی حرف می‌زدند چون فضا عربی بود مگر نماینده اردوگاه که با مأمور مرتبط بود والا بقیه هراز گاهی فارسی صحبت می‌کردند.

■ **خاطره‌ای از هم اسرا دارید؟**

همراهش خاطره بود، با آنها زندگی می‌کردیم. یادم است یکی از اسرا بعد از آزادی با دختر یکی از اعراب ساکن ایران ازدواج کرد که برایش مراسم عروسی گرفتیم و اشک شوق می‌ریخت و خوشحال بود.

■ **وقتی به عنوان یک روحانی با مأموران صلیب سرخ انگلیسی حرف می‌زدید چه عکس‌العملی نشان می‌دادند؟**

برایشان عجیب بود که هم انگلیسی حرف می‌زنم هم عربی می‌گفتند مگر حیا!

■ **تبلیغات نتیجه‌ای هم داشت؟**

ما دنبال نتیجه نبودیم می‌خواستیم حقیقت را بیسان کنیم حتی بعضی از اسیران بعضی با وجود اسارت همچنان روی صدام تعصب داشتند؛ مثلاً یکی از آنها سرطان گرفته بود امیدوی به زندگی او نبود در بیمارستان به او گفتیم حالا که وضع سلامتی تو خوب نیست بی‌تأثیر عقیده‌بده

گفت: لا، رئیس ما صدام حسین است من هرگز به او خیانت نمی‌کنم. ولی افراد ثوابی هم بودند که نمی‌خواستند برگردند.

■ **اسیران را برای زیارت امام رضا می‌کردید؟**

بله، ایشان فردی بسیار عالم و متواضع و بزرگوار بود که گاهی برای سخنرانی دعوت ما را قبول می‌کرد و چون اصولاً روضه به عربی احساسات و زیبایی خاصی دارد و ایشان به خوبی اجرا می‌کرد بیشتر به دل می‌نشست و تأثیر گذار هم بود.

■ **خاطره‌ای هم از ایشان دارید؟**

یک بار سر سفره غذا نشسته بودیم یکی از آقایان کاسه غذای ایشان را برداشت. آیتالله با شوخی و خنده همیگفتی خودش گفت چه کسی کاسه من را بلعید و خورداد و شروع به خندیدن کرد.ایشان بسیار مهربان و خوش خلق بود اینقدر که دوست داشت با افرادی عادی ششست و برخواست کند.

■ **تعمای به نشر با مسئولان نداشت.**

■ **تولید صنایع دستی چطور بود؟**

اسرا آموزش می‌دیدند خودشان صنایع دستی مختلفی درست می‌کردند و می‌فروختند تا بتوانند برخی از نیازهای خودشان را تأمین کنند. مثلاً عرب‌ها خرما خیلی می‌خورند برای همین



■ **دفاع از حرم تنها دفاع از یک مکان مقدس نیست**

سیدمحمدهادی رضوی رئیس شورای سیاست‌گذاری نخستین جشنواره فیلم مدافعان حرم گفت: دفاع از حرم تنها دفاع از یک مکان مقدس نیست بلکه دفاع از یک حرم است. در حال حاضر جبهه‌ای ترسیم شده است که اگر نتوانیم در آن مقاومت کنیم دشمن به خانه‌هایمان خواهد رسید.

سیدمحمدهادی رضوی رئیس شورای سیاست‌گذاری نخستین جشنواره فیلم مدافعان حرم درباره سیاست‌ها و اهدافی که به شکل گیری این رویداد فرهنگی و هنری منجر شده است، گفت: مدافعان حرم در ابتدا برای ایجاد انگیزه در نیروهای ارتشی انقلاب بیان‌کنندگاری شد. منظور که ملموس‌ترین حس شهادت چندین سال قبل در دفاع مقدس و قبل از آن در حماسه عاشورا نمود یافته بود. اکنون این احساس در دفاع از حرم اهل بیت معنا می‌شود. اکنون گروهی از جوانان در غربت و مظلومیت جان خود را در این راه از دست می‌دهند. وی افزود: دفاع از حرم تنها دفاع از یک مکان مقدس نیست بلکه دفاع از یک حرم است. در حال حاضر جبهه‌ای ترسیم شده که اگر نتوانیم در آن مقاومت کنیم دشمن به خانه‌هایمان خواهد رسید. بنابراین این دفاع از حرم حضرت زینب(س) نیست؛ بلکه دفاع از جمهوری اسلامی ایران است که خون ۴۰۰ هزار شهید برای آن ریخته است. از این رو حرم بزرگ‌تری وجود دارد که در ابتدا به آن بی‌احترمی شد و اکنون پرچسب توریست بودن شیعیان به پیروان این مذهب زده می‌شود. رضوی با اشاره به اینکه امنیت امروز کشور مدیون دفاع بی‌چشمداشت و رشادت‌های مدافعان حرم است، بیان کرد: برآیم عجیب بود وقتی از تعدادی از هنرمندان خواستیم درباره شهدای مدافع حرم حرفی با جمله‌ای بگویند از این کار برهیز کردند. اما سؤال من از آنها این است که امنیت امروز را مدیون شهدای حرم هستیم؟! به نظر تکان می‌دهی، آیا غیر از این است که امنیت امروز را مدیون شهدای حرم هستیم؟! به نظر من این یعنی غربت شهدای مدافع حرم. آنها در کشور خودمان هم غربت هستند. چگونه انتظار داریم آوازه آنها را به گوش جهانیان برسانیم؟!

رئیس شورای سیاست‌گذاری جشنواره فیلم مدافعان حرم ارسال بیش از ۳۰۰ اثر به دبیرخانه جشنواره فیلم مدافعان حرم را از ششمند و در خور ارزیابی و عنوان کرد: آمار دریافت بیش از ۲۰۰ اثر در قالب‌های مستند، نمادنگ و کلیپ به دبیرخانه جشنواره فیلم مدافعان حرم آمار قابل قبولی است. به هر حال فیلمسازی درباره مدافعان حرم به دلیل اهمیت موضوع نیازمند سرمایه و هزینه کردن و حمایت است و لازم است تا این سرمایه‌ها صرف شوند تا بتوانن پیام شهدای مدافع حرم را به مردم رساند و راهشان را ادامه داد.



در نقد فیلم «۵۰ کیلو آلبالو» مطرح شد

همه چیز برای فروش به هر قیمت!

مسعود فراستی با اشاره به غیبت کارگردان فیلم «۵۰ کیلو آلبالو» در میز نقد آن در برنامه هفت گفت: مانی قبیاض کاش می‌آمد. به نفعش نبود. چیزهای می‌گرفت. حداقل کمدی یاد می‌گرفت! برنامه سینمایی «هفت» جمعه شب گذشته ۱۱۰ اردیبهشت ماه در بخش میز نقد خود به سراغ فیلم سینمایی «۵۰ کیلو آلبالو» رفت و با حضور مسعود فراستی و کامیار محسنی به نقد این فیلم پرداخت.

در حالی که از هفته گذشته مطرح شده بود این برنامه احتمالاً با حضور مانی حقیقی برگزار می‌شود اما مسعود فراستی در ابتدای این برنامه گفت: ما هنوز دعوت نکرده مانی حقیقی هول هولکی بی‌مصاحبه کرد و گفت من نمی‌آیم! خب نیا فیلمساز خودش می‌داند، اگر نقد را در شأنش می‌داند می‌آید و اگر فکر می‌کند فیلمش قابل دفاع نیست نمی‌آید.

فراستی افزود: مانی حقیقی کاش می‌آمد. به نفعش نبود. چیز یاد می‌گرفت. حداقل کمدی

وی ادامه داد: برخی فیلمسازها فیلم به اصطلاح با فروش خود را به جشنواره نمی‌دهند. چون آنجا هم وی‌ترش اطمینان دارد ترسی ندارد. این با فروش میلیاری‌اش بز دهند. پرستیژشان را هم با فیلم اتلکتشان در جشنواره می‌دهند. سینما روراستی است. ترس نیست. اگر آدم به مخاطب بی‌ترش اطمینان دارد ترسی ندارد. این منتقد درباره علت اقبال مردم به این فیلم گفت: مخاطب تصمیم گرفته است به سینما برود و



امروز نیاز دارد بخندد و سینماگر هم این را به خوبی می‌داند و سعی می‌کند به هر ترفندی از این موقعیت او سوءاستفاده کند. تنها ترفند تصویری کارگردان هم در آوردن شلوار کوتاه بازیگر آن است.

وی ادامه داد: حقیقی تمام آنچه در سینمای کمدی جهان دیده را در یک کلاژ نمادنگ و غیر کمدی جمع کرده است.

در ادامه کامیار محسنی بیان داشت: هر چیزی که بخنداند کمدی نیست. کمدی طبعاً یک مشخصه‌هایی دارد و وقتی آن ویژگی‌ها را نداشته باشد نمی‌توانیم به آن بگوییم کمدی.

وی افزود: مانی حقیقی بیشتر از اینکه به ایجاد موقعیت‌های کمدی فکر کند، سعی کرده است به خط قرمزهایی فکر کند که مخاطب کمتر در سینمای ایران می‌بیند و این خطوط وارد کند.

این منتقد بیان داشت: یکی از موضوعات در فیلم «۵۰ کیلو آلبالو»، توجه نکردن به نقش شخصیت‌های فرعی در پیش بردن فیلم کمدی است.

یک سری کمدی‌هایی داریم که بر بازی یک کمدین پیش می‌رود. اما در نقطه مقابل یک سری کمدی داریم که متکی بر کمدین‌ها نیستند و ممکن است اصلاً بازیگر کمدی مهمی در فیلم بازی نکنند، بلکه موقعیت‌ها و صحنه‌هایی را ایجاد کند که خلق کمدی کند. اما در این فیلم این موقعیت‌ها خلق نمی‌شود.

محسنی افزود: فیلم تنها یک نکته خوب دارد که اصلاً ربطی به کلیت فیلم ندارد. یک ترک موسیقی فول‌عاده و هیجان‌انگیز دارد که به نظر کارگرد بدی در فیلم ندارد و آن خلأ ریتمی که در بخش‌های مختلف می‌بینید به وسیله این موسیقی تا حدودی جبران می‌شود. این منتقد ادامه داد: مانی حقیقی در دو فیلم اخیر خود همه چیز را به شوخی می‌گیرد در حالی که در سینما چیزهایی هست که نمی‌توان اصلاً با آن شوخی کرد.

در ادامه فراستی بیان داشت: همه چیز برای فروش به هر قیمت! کل فیلم همین است. مانی حقیقی هنوز باید خیلی کار کند تا به فیلم‌های بدارپوش مهرجویی برسد. مانی حقیقی کمدی بلد نیست. محسنی حقیقی خاطر نشان کرد: بله به نظر من نیز مانی حقیقی کمدی بلد نیست.